

سایت تپه حسنلو

معرفی :

در ۸۵ کیلومتری جنوب ارومیه در کنار جاده ایی که از ارومیه به نقده و اشنویه منتهی می گردد. به فاصله ۳ کیلومتر در سمت چپ جاده، تپه نسبتاً بلندی در میان جلگه ای سبز و خرم خودنمایی می کند. تپه مزبور همانم قریه ایست که در دامنه اش قرار گرفته و به حسنلو موسوم است.

قریه حسنلو و آبادیهای اطراف آن در جلگه ای وسیعی قرار دارند که امروزه به نام سلدوز معروف است و حدود آن از سمت شمال به دریاچه ارومیه و رشته کوههای غربی آذربایجان و از طرف جنوب و مغرب به کوههای لاهیجان و مهاباد محدود گشته و قسمت شرقی آن را رودخانه قادر چای از جلگه میاندوآب مجزا می نماید به طوری که از سه جهت شمال-مغرب- جنوب کوههای زاگرس و انشعابات آن جلگه مزبور را احاطه کرده است. تمام جلگه سلدوز از رودخانه ای به اسم گدار مشروب می گردد رودخانه مزبور که شعبه اصلی آن از کوههای غربی سرچشمه می گیرد پس از عبور از اشنویه و نقده و قسمت جنوبی حسنلو به سمت شمال منحرف شده از ساحل جنوبی وارد دریاچه ارومیه می گردد.

تاریخچه حفاری

تپه حسنلو ابتدا به وسیله یک هیات تجارتي ایرانی در سال ۱۳۱۳ خورشیدی کاوش شد و در سال ۱۳۱۵ به وسیله ی سراروال اشتین انگلیسی چندین گمانه در آن زده شد و مقداری هم اشیاء بدست آمد. در سال ۱۳۳۶ یک کاوش تجارتي به وسیله ی آقای فرهادی انجام گرفت و آقای محمود راد بازرس فنی این حفاری بود. در سال ۱۳۳۸ از طرف اداره ی کل باستان شناسی آقای مهندس علی حاکمی به اتفاق آقای محمود راد مامور کاوش علمی در این تپه ی باستانی شدند و مقداری از اشیاء حسنلو که امروزه در سالن موزه ی ایران باستان دیده می شود به وسیله ی این هیات علمی به موزه ی تهران آورده شد. در سال ۱۳۳۴ شمسی یک هیات مشترک ایرانی و آمریکایی به ریاست دایسون در تپه ی حسنلو مشغول کاوش شد.



این حفاری در سالهای بعد هم ادامه یافت. از آن پس این تپه به وسیله ی هیات مشترک ایران و آمریکا حفاری شدند و دو فصل آخر حفاری در سال ۴۹-۵۱ (تابستان) انجام گرفت. حفاری تپه حسنلو یک حفاری کاملاً علمی است. برای اینکه تپه راحفاری کنند. ابتدا سطح آن را به مربعهای متعدد به ابعاد ۵*۵ متر تقسیم کردند و سپس در یک سوی جدول حاصله از اعداد و در سوی دیگر از حروف الفبای انگلیسی استفاده کردند. پس از اینکه ۲۶ حروف الفبای انگلیسی برای ۲۶ ترانشه در کنار هم نامگذاری شد. (تصویر ۴۲). برای بار دوم این حروف تکرار شد. مانند حروف آ.آ. ب.ب. ث.ث. د.د... هر کدام برای یک ردیف ترانشه مورد استفاده قرار گرفت. این عمل محل دقیق هر ترانشه و هر شیئی یافت شده از آن ترانشه به خوبی روشن می گردید. در سالهای اول حفاری هیات مشترک ایران و آمریکا در ترانشه های مختلف این تپه کار کردند و تقریباً محل مناسبی را برای کار دایمی هر ساله خود پیدا کردند و در همین سالها بود که به ساختمانهای سوخته دوره چهارم سکونت در حسنلو اقدام به حفر چاهی در مرکز تپه و تقریباً در پست ترین قسمت تپه نمودند. این چاه در عمق ۱۷/۵ متر از سطح b و د تپه به خاک بکر و آب رسید و نتایج کلی زیر را به دست آورد.

۱- ده دوره سکونت متمایز در این تپه تشخیص داده شد.

۲- ضخامت لایه های هر دوره معلوم و در نتیجه ارتفاع تپه تا خاک بکر روشن شد.

۳- سفالهای تمدنهای هر دوره تعیین و شناخته شد.

مشخصات تپه های حسنلو

از قراین و حفاریهای چندی که در این ناحیه به عمل آمده است چنین معلوم می گردد که تپه مرکزی به نام اصلی و قلعه، وسط شهر را تشکیل می داده و تپه های مجاور آن محل سکونت عموم بوده است.

چون تاکنون در کاوشهای این ناحیه علایمی از خط به دست نیامده بدین لحاظ نمی توان نام محل مزبور و تاریخ آن را به طور یقین نمود و همچنین به واسطه عدم وجود اعتبارکافی، حفاری دامنه داری در تپه مرکزی حسنلو انجام نگرفته تا بتوان مشخصات اصلی بنا را در دوران مختلف تشخیص داد.

ولی به طور اجمالی می توان گفت که جلگه حسنلو را در اواسط هزاره دوم ق.م اقوام مهاجر جهت سکونت اختیار نمودند تا اوایل هزاره اول ق.م که تقریباً مصادف با زمان تشکیل دولت مادها می گردد، این محل خالی از سکنه نبوده است چه با کشف اشیاء از قبیل مفرغ و آهن و ظروف لعابی در تپه حسنلو که هم دوره با این زمان است، تقریباً نظریه فوق تأیید می گردد. و نیز با کشف سنگهای حجاری شده در تپه های اطراف با اینکه وجود بنای عظیمی را در آنجا معلوم می دارد و ضمناً این موضوع را روشن می سازد که پس از ویرانی این شهر به وسیله ی اقوامی مهاجم که ممکن است آشوریها یا قوم دیگری بوده باشد مدتی در اطراف آن خصوصاً تپه های مجاور تپه مرکزی، مردمانی سکونت داشته و از سنگها و مصالح و حتی از نقوش برجسته بنای مرکزی جهت منظورهایی استفاده می نمودند.



تپه مرکزی تا ارتفاع ۱۰ سانتیمتر مورب بوده و از آن به بعد یک مرتبه قسمت فوقانی آن بریده شده و تقریباً مسطح گردیده و آثار و علایمی که در سطح صاف آن مشاهده می شود بدین فراراست: در وسط تپه، گودال قیفی شکل نسبتاً بزرگی است که در اطرافش چهار تپه کوچک به فاصله مختلف قرار دارند ارتفاع بلندترین تپه ها از سطح تحتانی گودال در حدود ۴/۵ سانتیمتر میباشد. آثاری که در آنجا به نظر می رسد عبارت از تخته سنگهای بزرگی است که از زیر خاک نمایان و در سمت جنوبی آن مجرای به عرض نیم متر دیده می شود که سقف آن باتخته سنگهای صاف پوشیده شده علاوه بر آثار فوق در دو تپه بقایای دیوارهایی از خشتهای بزرگ مکعب مستطیل بوده که ابعاد آن در حدود (۱۰*۱۶*۳۰) سانتیمتر است و ملاطی که خشته را با آن ساخته اند مخلوطی از گل و ماسه و گاه بوده است. در گودال وسط تپه چاهی قرار داشته که به تدریج از خاک انباشته شده و شیب حفره مزبور در اثر ریزش خاکهای چهار تپه مجاور بوجود آمده است، از روی اثر و اشیاء که تاکنون در طبقات مختلف حسنلو گردید می توان سه دوره را در آن محل تشخیص داد.

۱- دوره ای که تپه مرکزی هنوز وجود نداشته و اقوامی در آن سکونت داشته و دارای تمدنی عالی نبودند.

۲- زمانی است که تپه مرکزی، آباد و این محل جمعیت بیشتری داشته و یکی از نقاط آباد آن زمان را با تشکیل می داده است و در این موقع سطح تمدن مردم ساکن آنجا خیلی بالاتر از اقوام اولیه آن بوده است.



۳- موقعی است که بنای اصلی شهر و تپه مرکزی، در نتیجه حمله ی اقوام دیگری که ممکن است آشوریها یا سکاها بوده اند ویران و منهدم گردید ولی با وجود از بین رفتن، در تپه هی مجاور تامدتی سکونت داشتند. همچنین در ارتباط با چهار تپه مجاور می توان گفت که ظاهراً چنین گمان می رود که چهار تپه کوچک فوق خرابه های چهار برج گوشه های قلعه بوده است و تعیین محل اصلی آن در نتیجه ویرانی و مرور زمان بدون حفاری غیرممکن است.

دو تپه الف و ب در جهات فرعی یعنی شمال غربی و جنوب غربی قرار دارند و برای بدست آوردن محل دو برج دیگر به طریق سهمی از سوی نقشه می توان حدود مکان را تشخیص داد. از آثار ظاهری

مذکور در فوق می توان چنین نتیجه گرفت که گودال مرکزی حیاط قلعه و تپه اطراف آن چهار برج قلعه و چاه وسط گودال را بری آب مورد احتیاج ساکنین آن حفر نموده بودند و نیز خشتهایی که در اطراف تپه مرکزی دیده می شود که به طور منظم چیده شده است باید بقایای دیوار اصلی بنای فوق باشد.

دورانهای سکونت در حسنلو

به عقیده ی دکتر دایسون رئیس هیات مشترک ایران و آمریکا ده دوره ی مغایر سکونت در تپه حسنلو موجود است و از قدیم به جدید یعنی از دوره ی دهم شروع و به دوره ی یکم که آخرین دوره است ختم می شود. دایسون، تاریخ تقریبی سکونت در دوره ی دهم را به ۶ هزار سال ق. م نسبت می دهد و دوره ی نهم و هشتم تا هفتم را بین ۶ هزار و سه هزار سال ق. م می داند. از سه دوره ی دهم و نهم و هشتم اطلاعات زیادی نداریم. از دوره ی هفتم تا دوره ی اول اطلاعات بیشتری موجود است. در این دوره ها به بناهای خشتی و گلی و سنگی برخورد شده است از حفاری که در ترانسه UZZ در سالهای ۱۳۴۹ و ۱۳۵۱ انجام گرفت، ثابت شد که از دوره ی چهارم سکونت در حسنلو یعنی از هنگام وقوع آتش سوزی بزرگ تا دوره ی هفتم سکونت (۲۲۰۰ سال پیش از آتش سوزی)، آثار ساختمانی ای که دال بر سکونت افرادی در حسنلو می باشد موجود است. بنابراین، دوره ی هفتم بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق. م بودهاست که از ابزار مفرعی استفاده می شده است و دوره ی ششم بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ ق. م و دوره ی پنجم می تواند ۱۳۰۰ ق. م باشد. در دوره ی پنجم سکونت در حسنلو ظروف سفالی خاکستری رنگ ظاهر شده ولی اقوام سازنده ی این ظروف سفالی معلوم نیست که از چه منطقه ای به این محل آمده اند.



از مختصات دوره ی پنجم سکونت در حسنلو وجود ساختمانیهای خشتی و گلی است. دوره ی چهارم بین ۱۳۰۰ تا ۸۰۰ ق. م است یعنی همین دوره ی آتش سوزی بزرگ و لایه های سوخته و تقریباً به مدت ۵۰۰ سال سکونت را تشکیل گردیده است. در این دوره، ساختمانیهای حسنلو از سنگ ساخته شده بود و تمدن بسیار درخشانی در این دوره در حسنلو وجود داشته است. دوره ی سوم سکونت در تپه حسنلو دوره ی مادها و کمی پیش از آن بوده و نیز این دوره، نیمی از دوره ی هخامنشی را هم شامل می شود و خود این دوره به دو قسمت IIIA, IIIB تقسیم می گردد و دوره IIIA قدیمی تر از دوره IIIB بوده است. دوره ی دوم همزمان با نیمی از دوره ی هخامنشی و همه ی دوران پارت و نیمی از دوران ساسانی می باشد. و دوره ی اول که لایه ی بسیار ضعیفی

است شامل اواخر دوره ی ساسانی و اوایل ظهور اسلام است که اثری از آن موجود نیست و کلیه آثار این دوره از میان رفته است. مهمترین دوره ی سکونت همان دوره ی چهارم است.

ساختمانهای یافت شده در این دوران به شرح ذیل می باشد :

کلیه ساختمانهای یافت شده در حسنلو از سنگ ساخته شده و متعلق به دوره ی چهارم سکونت است (اگر چه مقدار کمی هم سنگ در پی های ساختمانی دوره ی پنجم بکار رفته است) هیات حفاری در سالهای اخیر توانست اتاقهای متعددی باسالنهایی بزرگ در مرکز تپه کشف نماید و دیوار دفاعی قلعه نظامی و دژ محکم این شهر را از زیر خاک بیرون سازد. از اکتشافات اخیر این هیات دست یافته به سه معبد بزرگ ستون دار است که حتماً مراسمی در هر یک از آنها اجرا می شده است. و به نظر می رسد که این سه تالار بزرگ ستون دار هم زمان با هم ساخته نشده است بلکه تالار ستون دار شرقی اول و تالار ستون دار شرقی اول و تالار ستون دار بزرگ جنوبی پس از آن و تالار ستوندار غربی بعد از هر دو تالار ساخته شده است و به عبارت دیگر می توان گفت هنگامی که تالار ستون دار بزرگ جنوبی را بنا کرده اند اولین تالار ستون دار شرقی منزوی شده بود و از آن استفاده کافی نمی شده است. و آن تالار به انبار یا طویله اسبان تبدیل شده است و نیز سومین تالار غربی ستون دار را هنگامی بنا کرده اند که دومین تالار بزرگ جنوبی تکافی احتیاجات آنها را نمی کرد. بنابراین اقدام به ساختن سومین تالار بزرگ ستوندار کرده اند، شواهدی که از این حفاری در دست است، این طور نشان می دهد که هر سه بنای ستون دار، مانند یک مرکز مذهبی یا معبدی بوده که برای انجام تشریفات خاصی ساخته شده بود.

دروازه و دیوار دفاعی قلعه حسنلو

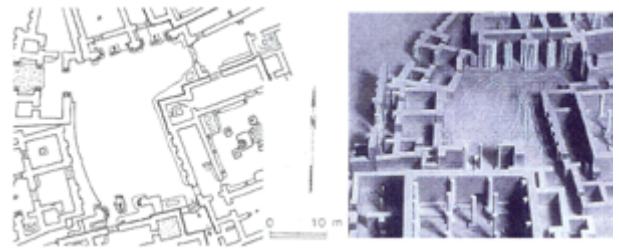
دور تا دور قلعه را دیواری به قطر ۳ متر و ارتفاع هفت متر فرا گرفته بود در سرتاسر این دیوار برجهای مربع شکل به فاصله های ۳۰ متر از یکدیگر و به ابعاد ۱۰*۱۰ متر ساخته شده بود. ارتفاع برجها به درستی معلوم نیست که چند متر بوده است ولی احتمالاً بیشتر از ۷ متر، یعنی بلندتر از دیوار قلعه بوده و با احتساب هر ۳۰ متر یک برج، تقریباً محل هفت برج، در روی دیوار دفاعی قلعه روشن می گردد. طرز قرار گرفته برجها در میان دیوارها طوری بوده است که ۳ متر از طول برج داخل دیوار و ۵ متر آن خارج دیوار (بیرون از قلعه) و ۲ متر آن در سوی دیگر دیوار (داخل قلعه) قرار داشته است. .

از این برجها برای حفاظت قلعه استفاده می شد. از حفاری قسمتی از دیوار قلعه و چند برج می توان نتیجه گرفت که تغییراتی در دیوار شهر و برجها در دوران سوم سکونت در حسنلو، پدید آمده است و مسیر دیوار قلعه در دوره ی سوم سکونت با دوره ی چهارم فرق کرده است. زیرا پس از آتش سوزی و فرو ریختن قسمت زیدی از دیوار قلعه و خراب شدن برخی از برجها، دیوار و برجها از نو بنا شده ولی در مسیر دیوار، اندکی انحراف حاصل گردیده است

حیاط مرکزی و بناهای اطراف آن

در مرکز این دژ، حیاط وسیعی به طول ۲۹ و عرض ۱۹ متر قرار گرفته است. البته طول و عرض حیاط در همه سو یکسان نبوده و حیاط تقریباً شکل چند ضلعی نامنظمی پیدا کرده است. به طوری که در شمالی ترین قسمت، عرضش به ۲۱ متر می رسد.

در انتهای جنوبی حیاط مرکزی، مذبح یا قربانگاه قرار داشت و در انتهای شمالی حیاط، چند ستون سنگی بلند به فاصله ی چند متر از یکدیگر به ارتفاع سه متر یا بیشتر مانند لوحه ی سنگی یادبود به دیوار شمالی حیاط نصب شده بود ولی روی هیچ کدام کتیبه ای دیده نمی شد. در دو سوی شمال و غربی حیاط، سکوهایی سنگی به ارتفاع تقریبی ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر و عرض ۱۲۰ تا ۲۳۰ سانتیمتر وجود داشت که با سنگهای تخت مفروش شده بود. دور تا دور حیاط مرکزی، اتاقهای کوچک و بزرگ و تالارهای ستون دار و ایوانهای درازی وجود داشته است که بازمانده ی آنها هنوز هم برجای اولش دیده می شود



بناهای سوی شرقی حیاط مرکزی

در جنوب شرقی حیاط مرکزی، یک تالار وسیع با چند انباری وجود داشت. در این تالار مقداری زیادی از خمره های بزرگ یافت شده از همین تالار یک در به انبار دیگری که خمره های زیادی در آنجا وجود داشت باز می شد.

مورد استفاده ی این خمره ها معلوم نیست که آیا برای ذخیره ی آب بوده یا شراب. ولی به سبب این که این قلعه، دژ نظامی بوده احتمالاً ذخیره ی آب برای روزی که مبادا دژ را محاصره کنند بیشتر است. در شمال همین انبار، قدیمترین و اولین تالار بزرگ ستون دار قرار گرفته است. در ورودی این تالار بزرگ ستون دار از همین انبار به داخل حیاط مرکزی باز می شود. این تالار به طول و عرض ۴*۱۶ سانتیمتر بوده ولی قسمت جنوب شرقی آن هنوز کاملاً حفاری نشده، در مرکز این تالار در دو ردیف ۴ ستون وجود داشته است که فاصله ی هر ستون با ستون دیگر ۵ متر بوده است. در کنار دیوار نیز محلهایی برای تعبیه ستونهای چوبی با ته ستونهای سنگی دیده می شود. در جنوب همین تالار محل محراب یا مویب معلوم است. در میان این تالار ستون دار، اسکلت ۲ اسب به فاصله ی ۵ سانتیمتر از یکدیگر در سوی شرقی و مرکزی تالار یافت شد که اثبات می کند که از این تالار پس از ساخته شدن تالار دوم ستوندار که در جنوب حیاط مرکزی قرار دارد، دیگر استفاده نشده است. بلکه جهت نگهداری اسبان به جای اصطبل بکار رفته است. در شمال این تالار چند اتاق کوچک و بزرگ کشف شده است، در ورودی این اتاقها که معمولاً همه به یکدیگر راه داشته از قسمت شمال شرقی حیاط مرکزی بود.

بناهای جنوبی حیاط مرکزی

در جنوب حیاط مرکزی، یک واحد بزرگ ساختمانی که شامل اتاقها و تالارهای متعددی بود کشف گردید، از بناهای مهم این قسمت در این تالار بزرگ ستوندار بود که به عنوان معبد پس از متروک شدن اولین و قدیمی ترین تالار ستوندار شرقی از آن استفاده شده است. این تالار بزرگ دارای ابعادی ۱۸/۵*۳۰/۲۴ متر بود.

ابعادی ۱۸/۵*۳۰/۲۴ متر بود. تعداد ۸ ستون در وسط و ستونهای دیگر در اطراف تالار بر روی ستونهای چوبی استوار بوده و سنگینی تیرهای سقف روی همین ستونهای چوبی تالار می افتاده است. این تالار بیشتر از یک طبقه نداشته و ارتفاع آن از کف تا سقف ۷ متر بوده است، در صورتی که ساختمانهای دیگر اطراف این تالار دو طبقه بوده و بلندی هراشکوب، ۳/۵ متر بوده است. در حقیقت پشت بام تالار با پشت بام اتاقهای اطرافش در یک سطح مساوی قرار گرفته است. در میان این تالار ستوندار بزرگ معبد مانند تقریباً به فاصله ی ۳/۵ متر از در ورودی سمت شمال تالار سکویی به اضلاع ۲*۳ متر قرار داشت. بر روی این سکو، شمعدانها و چراغهای پیه سوز را جهت روشن نگهداشتن معبد قرار می دادند. شاید هم قربانی را در روی همین سکو تقسیم می کردند. در سمت جنوب تالار درست در وسط ضلع جنوبی، محلی شبیه محراب که شاید محل ایستادن یا نشستن مویب بزرگ بوده است درست کرده اند که راهی به اتاق کوچک پشت معبد (در ضلع جنوبی آن) دارد. ممکن است همین اتاق کوچک هم محلی برای تعویض لباس روحانی مویب و یا محل کار ویژه برای مویب بوده باشد. در سمت شمال شرقی داخل معبد و تقریباً قسمت شرقی در ورودی سمت شمال آن در داخل معبد محلی برای روشن کردن آتش مقدس وجود داشته است که هنگام اجرای مراسم احتمالاً در آن محل آتش می افروختند. در گوشه ی جنوب غربی معبد نیز آتشیگاه دیگری به چشم می خورد که عبارت از اجاقی مستطیل شکل است. در میان ستونهای این تالار در قسمت شمال و غربی در ورودی بزرگ به عرض دو متر و در قسمت جنوب و شرقی درهای ورودی به عرض ۱/۲۰ متر در داخل اتاقهای اطراف تالار باز می شدند. در سمت شمال معبد و در دو طرف دروازه ی شمالی، کاخ بزرگ ستون دار که از دو تالار دیگر جدیدتر است وجود دارد. این اتاق درست روبروی اتاقی که جام طلائی از آنجا کشف شده واقع شده است.

بناهای غربی حیاط مرکزی

در گوشه ی جنوب غربی حیاط مرکزی نزدیک مذبح، دری به سوی تالار بزرگ ستوندار (معبد) باز می شود، در جوار همین دری یک راهرو بلند و باریک که به سومین تالار ستون دار غربی (جدیدترین تالار) منتهی می شود وجود دارد. در ضلع شمالی همین راهرو نزدیک سومین تالار ستوندار در اتاق کوچکی جام طلای حسنلو در ۱۳۳۸ کشف گردید و در قسمت غربی حیاط مرکزی یک در ورودی بزرگ به اتاقهای غربی حیاط و تالارهای بزرگش که اتاقهای متعددی داشت باز می شده است ضمناً بیش از ۱۵ اتاق کوچک و بزرگ که غالباً به هم راه داشته اند و با هم ارتباط دارند کشف شده است. این واحد ساختمانی، از سوی شرق به حیاط مرکزی و از سوی غرب به دیوار غرب قلعه و از سوی جنوب به راهرو باریک و از سمت شمال به راهی که هر بازدید کننده از این قلعه به هنگام آبادی آن از آنجا عبور می کرده است و این راه یگانه راه ورودی از سمت غرب قلعه و دروازه ی غربی قلعه دفاعی بوده است. این واحد ساختمانی به سوی شمال دارای در بزرگ ورودی بوده که به وسیله ی پله های دراز به طول ۹ تا ۱۱ متر به داخل راهر بلند که طولش ۲۲ و عرض ۹ متر بوده به درون بنا راه داشته است. این راهرو دارای دو دروازه ی غربی و شرقی هم بوده که فاصله ی دروازه ها از هم ۱۶/۵ متر بوده است. یک درهم در سمت جنوب آن به راهرو باز می شده که طولش ۱۴/۶۰ و عرضش ۳/۴۰ متر بوده و از این حال غربی یک در ورودی به سومین تالار بزرگ ستون دار غربی به عرض ۲ متر باز می شده است. سومین تالار ستوندار غربی که در شمالی غربی تالار دوم بزرگ جنوبی و به فاصله ی زیادی از آن قرار گرفته بود حتماً پس از آن تالار شباهت زیادی به بناهای دوران هخامنشی دارد، زیرا ستونها را یک پارچه از سنگ ساخته و تالار ستون دار به ابعاد ۱۵*۱۵/۶۰ سانتیمتر و تقریباً مربع شکل بوده است. عرض دروازه های حدودی آن ۲ متر و فاصله ی این تالار تا دیوار دفاعی قلعه ۳/۹۰ متر بوده در قسمت شمال شرقی این تالار ستون دار، در داخل تالار آتشگاهی قرار داشت که محل اجرای مراسم و یا محل موبد بوده و تقریباً در مرکز تالار واقع شده بود.

بناهای شمالی حیاط مرکزی

در قسمت شمال حیاط مرکزی بناهای دیگری وجود دارد. این اتاقها که فقط به ۱۵ باب می رسند، احتمالاً محل نگهداری بانوان کاخ و شاید کنیزان و غلامان دژ بوده است. با توجه به آنچه که گذشت می توان از لحاظ گاهنگاری، تخمین تاریخ گذاری زیر را پیرامون معماری طبقات VI-III A حسنلو مطرح نمود: ساختمانهای مخروبه در این مکان مجدداً بررسی شده و جدیدترین دوران آهن، شروع آن بعد از ۱۵۰۰ ق.م می باشد که همان دوران حسنلو V، که زیر ساختمانها آثاری قرار گرفته که قرن ۱۲ تا ۹ ق.م تاریخ گذاری شده و به دوره ی IV معروف است. آخر فصل حفاری در حسنلو، نشان داد که تاریخ IV خود می تواند به دورانهایی تقسیم شود، دوران IVC مربوط به قرن ۱۲ ق.م و بعد از آن مرحله ی کاملتر و بهتر حفظ شده ی دوران IVB که به قرن ۱۱ و انتهای ۹، تاریخ گذاری شده که دوره دو با آتش سوزی خاتمه می یابد. بعد از بازسازی دوران IVB بناهایی که در انتهای قرن ۹ ق.م بودند، در دوران IVA به تعدادی کمی مسکونی بود، تا این که، آنها توسط اورارتوها در قرن هشتم ق.م سرزمینهای اطراف دریاچه ارومیه و قسمت شرقی آسیای صغیر را، اشغال کرده بودند؛ به کلی سوزانده شده و از بین رفته اند.

source

<http://www.hasanlu-tepe.com>